

## بازنمایی کنشگری سیاسی زنان در سریال‌های تاریخی دهه ۹۰ تولید سیمای ج.ا.ا. (مطالعه موردی: سریال‌های «تبریز در مه» و «بانوی سردار»)

مریم متقی<sup>۱</sup>، عاصمه قاسمی<sup>۳</sup>، ته‌مین شاوردی<sup>۴</sup>

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۶/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸

### چکیده

هدف این پژوهش، تحلیل بازنمایی کنشگری سیاسی زنان در سریال‌های تاریخی پخش‌شده از سیمای جمهوری اسلامی ایران در دهه چهارم پس از انقلاب (سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۰) با استفاده از روش کیفی از نوع تحلیل روایت گریماس است. با توجه به هدف پژوهش با نمونه‌گیری هدفمند دو سریال «تبریز در مه» و «بانوی سردار» که در آنها زنان شخصیت اصلی سریال و کنشگر عرصه جامعه و سیاست بودند، انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفتند. زنان کنشگر عرصه سیاست در این سریال‌ها بین ۲۰ تا ۴۰ سال داشتند. هر دو شخصیت اصلی زن سریال‌ها (دختر خان و دختر ولیعهد) از طبقه بالای اجتماع هستند. در این سریال‌ها بین طبقه اجتماعی و کنشگری زنان رابطه مستقیم وجود دارد. کنش اجتماعی-سیاسی زنان در آنها بازتابی از ساختار سیاسی و اجتماعی حکومت داخلی، و دخالت دولت‌های غربی در امور داخلی ایران بوده است. این بازنمایی کنش سیاسی زنان را در مقوله‌های بسیاری، از جمله در گفتمان شخصیت‌های حاضر در سریال‌ها (دیالوگ‌ها)، در لوازم و ابزار استفاده‌شده توسط آنها (اسب و اسلحه)، شرکت در امور سیاسی و اجتماعی، ایجاد انسجام و همبستگی اجتماعی، مقبولیت اجتماعی، دفاع از ارزش‌های دینی و آرمان‌ها، برقراری عدالت اجتماعی و همین‌طور ایجاد تغییر اجتماعی در جامعه زمان خود را نمایش می‌دهد. با بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش، معلوم شد که امر بازنمایی زنان طبقات پایین جامعه که در وقایع سیاسی-اجتماعی تاریخ ایران نقش اساسی داشتند، مورد توجه قرار نگرفته است.

### واژه‌های کلیدی

بازنمایی، تحلیل روایت، کنشگری سیاسی، شخصیت‌پردازی زنان، تحلیل روایت گریماس.

۱. این مقاله براساس نظر گروه دبیران و سردبیر فصلنامه، پژوهشی است.

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
merrymottaghi@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
asemeh.ghasemi@srbiau.ac.ir

۴. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، واحد جهاد دانشگاهی، تهران، ایران.  
t.shaverdi@yahoo.com

## مقدمه

دنیای امروز، عرصه‌ای است که در آن، رسانه‌های همچون تلویزیون، از عوامل مؤثر در انتقال فرهنگ جامعه به افراد محسوب می‌شوند. رسانه‌های جمعی این قدرت را دارند که به‌گزینه‌های برخی از عناصر فرهنگی به شیوه‌ای خاص پردازند و سپس آن را از طریق وسایل ارتباطی همچون تلویزیون به مخاطبان خویش، منتقل کنند. بنابراین دانستن این موضوع که تلویزیون به‌عنوان عاملی مهم در جهت انتقال فرهنگ و نگرش به افراد جامعه، چه معانی و تفکراتی را نمایش می‌دهد، بسیار مهم است. رسانه بر درک عموم مردم از جهان مؤثر است و می‌تواند بر آگاهی و ذهنیت مردم نسبت به دنیای اطراف تأثیر گذارد؛ این به دلیل نقش واسطه‌گری رسانه است که نقش میانجی بین آگاهی‌های فردی و ساختارهای گسترده اجتماعی دارد. محتوایی که از طریق رسانه‌ها به مردم منتقل می‌شود، در اغلب موارد به شکل دهی و جهت‌بخشی آگاهی، ذهنیت و هویت افراد منجر می‌شود. «رسانه‌ها همچون آینه برای انعکاس واقعیت عمل نمی‌کنند، بلکه بر ساخت اجتماعی واقعیت تأثیر می‌گذارند. بر این اساس، بازنمایی، ساخت رسانه‌ای واقعیت است.» (مهدی‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۵).

رسانه‌های تلویزیونی از جمله وسایل ارتباط جمعی هستند که تأثیرات شگرفی بر دگرگونی ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و نیز ارزش‌های اخلاقی، سبک زندگی و... در جوامع مدرن داشته‌اند. رسانه‌های ارتباط جمعی به ویژه شبکه‌های تلویزیونی، در تولید علم، آموزش انواع مهارت‌ها، کمک به شناخت فرهنگ‌ها، سرگرمی و موارد دیگر نقش فزاینده‌ای ایفا می‌کنند. اهمیت نقش رسانه‌ها در زندگی شخصی و گروهی افراد جامعه به ویژه زنان، نتایج مختلفی را دربرداشته است که یکی از آنها پررنگ شدن تغییرات در زمینه ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، دینی و غیره است (خضری و همکاران، ۱۴۰۰: ۳).

امروزه سریال‌های تلویزیونی به‌عنوان یکی از برنامه‌های تلویزیونی توانسته است مخاطبان زیادی را به خود جلب کند. در این میان، سریال‌های تاریخی جایگاه ویژه‌ای دارند. و در برخی از این سریال‌ها این زنان هستند که هم به عنوان شخصیت اصلی و هم به‌عنوان کنشگر سیاسی به ایفای نقش می‌پردازند.

زنان بیشتر از مردان در معرض رسانه‌های جمعی قرار دارند. بسیاری از زنان بعد از اینکه همسرشان به محل کار و فرزندانشان به مدرسه می‌روند، به امور روزمره زندگی می‌پردازند. در این میان رسانه‌ها به خوبی ایفای نقش می‌کنند و همراه سرگرم‌کننده‌ای برای زنان می‌شوند، همچنان که زنان به فعالیت‌های خانه مشغول‌اند، رسانه نیز برای آنها برنامه‌های جالب‌توجهی دارد. در بین برنامه‌های رسانه، سریال‌های تلویزیونی از محبوبیت خاصی در بین زنان برخوردارند. ویژگی ماجراپردازانه سریال‌ها به خوبی حس ماجراجویی زنان را برمی‌انگیزد و بدین ترتیب زنان به مخاطب پروپا قرص این سریال‌ها تبدیل می‌شوند. به علاوه برنامه‌های سریال‌ها به خوبی با اوقات بیکاری زنان در خانه هماهنگ می‌شود و زنان برای مدت‌ها با یک سریال همراهند تا اینکه سریال بعدی با ماجرای جذاب بعدی فرا رسد. طبق نظر گیدنز، رسانه‌ها به جز سرگرمی نقش مهم در تبلیغ سبک‌های مختلف زندگی دارند همزمان با پخش هر فیلم، لباس‌ها، زیورآلات و وسایل منزل شخصیت‌های اصلی فیلم‌ها، در بازار موجود می‌شود مسئله نگران‌کننده آنجا است که منش و رفتار این شخصیت‌ها نیز به عنوان یک الگو محبوب شود. از طرف دیگر، زن عنصر اساسی هر جامعه است، هر تغییری در هویت، شخصیت و به طور کلی در تمامی جنبه‌های زندگی زن، کل جامعه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. طبق آمار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۹۹ درصد از افراد جامعه ما، تلویزیون دارند و به طور متوسط، استفاده از تلویزیون در شبانه روز بین ۳۰ تا ۹۰ دقیقه است (مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، ۱۳۹۹). در این میان سریال‌های تلویزیونی بیشترین تعداد مخاطب را به خود اختصاص داده‌اند. این آمار و ارقام می‌توانند به نوعی اهمیت بررسی و تحلیل همه جانبه سریال‌های تلویزیونی را بیان کنند. این پژوهش به بررسی کنشگری سیاسی زنان و بازنمایی آن در سریال‌های تاریخی پخش شده از سیمای جمهوری اسلامی ایران در دهه ۹۰ می‌پردازد.

قدرت، کانون علم سیاست است. هر گونه کنشی که یکی از اهداف آن، آگاهانه یا ناآگاهانه در پیوند با قدرت تعریف شود، کنش سیاسی است. کنشگران سیاسی در قالب فرد، اجتماع، احزاب، جبهه، حاکمیت و... عرصه قدرت و تصمیم را جولانگاه خواست‌ها، آرمان‌ها و ایدئولوژی خود قرار می‌دهند. کنش سیاسی

تابعی از فرهنگ سیاسی است. رویکرد کنشگران سیاسی به مؤلفه‌های مختلف سیاسی همانند فلسفه سیاسی، اندیشه سیاسی، رهبران و پیروان، جامعه و علایق ویژه، نمایندگی و انتخابات، احزاب و گروه‌های فشار، کشمکش داخلی و جنگ، تفکر دربارهٔ دموکراسی و آزادی و بسیاری از موارد دیگر ممکن است بستگی داشته باشد (عزیزی کاوه و دیگران، ۱۳۹۰: ۶). کنش سیاسی می‌تواند در دو سطح توده و نخبگان معنا یابد. ولی در هر صورت، در بین اقشار مختلف جامعه اعم از زن و مرد مطرح بوده است.

مشارکت سیاسی نیز پدیده‌ای پیچیده و دارای ابعاد متعدد است که ارتباط میان جامعهٔ مدنی و جامعهٔ سیاسی را عملی می‌سازد. بنا به تعریفی شرکت در فرایندهای سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی می‌انجامد و سیاست عمومی را تعیین می‌کند و یا بر آن اثر می‌گذارد، مشارکت سیاسی نامیده می‌شود (ابراکرامی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۴۶).

مشارکت سیاسی ترکیب وصفی است که دخالت مردم در امور سیاسی یعنی حکومت داری را معنا می‌کند و در پی فرایند اجتماعی شدن انسان‌ها و دخالت در امور مدیریت سیاسی کشورها وارد ادبیات سیاسی نظریه‌پردازان شده است (راش، ۱۳۹۱: ۷۲۹).

هر جامعه‌ای برای تحقق اهداف توسعه‌گرایانه، بایستی از تمامی منابع انسانی خود بهره‌گیرد. زنان هر جامعه، نیروی محوری و بنیادی محسوب می‌شوند که اشتغال و فعالیت آنها دوشادوش مردان به عنوان بخشی از جمعیت فعال جامعه، تأثیر فراوانی در رشد، توسعه و سازندگی جامعه دارند (گلایبی و حاجیلو، ۱۳۹۱: ۱۷۱). حضور تعداد قابل توجهی از زنان در مناصب قدرت، به خروجی سیاست‌هایی منجر می‌شود که با منافع دغدغه اجتماعی انسان سازگارتر است و همچنین، از سطح بالاتری از نرخ مشارکت نیروی کار برخوردارند (Lv&Deng، ۲۰۱۹: ۲).

گاهی وجود رابطهٔ متقابل میان توسعه‌یافتگی و میزان مشارکت افراد جامعه به ویژه زنان، امری بدیهی است و عدم مشارکت سیاسی افراد خصوصاً زنان از نشانه‌های عدم توسعهٔ مطلوب در هر کشور است. براساس نظریهٔ بازنمایی، نمایش

نوع و نحوه کنشگری سیاسی زنان در رسانه، متأثر از جامعه و تأثیرگذار بر جامعه است و برساختی است که رسانه انجام می‌دهد تا معنا و مفهومی از کنشگری به مخاطب بنماید. این تحقیق به مطالعه و تحلیل این بازنمایی می‌پردازد.

### پیشینه تحقیق

بروجردی علوی، مهدی‌زاده طالشی، شاکری‌نژاد (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان بازنمایی زنان چادری در سریال‌های تلویزیونی ایران در پی دستیابی به این هدف بودند که چادر در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی چگونه در سریال‌های تلویزیونی بازنمایی شده است. ایشان با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی، شخصیت‌های چادری ۴۰ سریال پربیننده پخش‌شده از تلویزیون ایران را مورد تحلیل قرار دادند. نتایج تحقیق: زنان چادری مسن، بدون تحصیلات دانشگاهی، از طبقه متوسط و پایین، دارای مشکلات روحی و دارای چهره‌ای زشت و متوسط هستند که کسی تمایل به همذات‌پنداری و الگوبرداری از آنها نیست. سنگ برگان، حسین و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان چگونگی بازنمایی نمادهای عاشورایی در فیلم و سریال‌های تلویزیونی (مطالعه موردی سریال مختارنامه) اظهار می‌کنند هدف از انجام این پژوهش، ابتدا واکاوی معانی عمیق و سپس پرداختن به چگونگی بازنمایی نمادهای عاشورایی در فیلم و سریال‌ها، و راه‌های ارتقای این نمادها در فیلم‌های بعدی است و از روش تحقیق نشانه‌شناسی جان فیسک استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نمادهای عاشورایی دارای ظرفیت بالایی برای استفاده در آثار نمایشی هستند، اما سازندگان سریال‌ها گاه مفاهیم دیگری را در قالب نمادهای عاشورایی به بیننده منتقل کرده‌اند. قهرمانی محمد باقر، بختیاری محمد جواد، (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان بازنمایی زنان در فیلم‌های آپارتاید: مطالعه موردی دو فیلم «وینی ماندلا و سارافین» با هدف بررسی بازنمایی نقش زنان در فیلم‌های مربوط به آپارتاید آفریقای جنوبی بودند. آنها با استفاده از روش مطالعه و تحلیل محتوا برای بررسی و تفسیر داده‌ها استفاده کردند. در نتایج پژوهش نیز مشخص شد که بازنمایی زنان در این فیلم‌ها، شخصیت‌هایی پویا، مهربان، باهوش، سخت‌کوش و دارای روحیات بزرگ است. آنها اگرچه ممکن است مرز زنانگی را شکسته و وارد حیطه‌های مردان شوند با این حال بعد

زنانه‌شان در نهایت آنها را عقب می‌کشد و آنها همچنان با آرامش و آینده‌نگری زنانه اوضاع را کنترل می‌کنند. جنیدی، سنگی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان موانع و چشم‌اندازهای مشارکت سوژه زنان در امر سیاسی با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی دریافتند که عدم هم‌افزایی سطوح مختلف ساختارهای اقتصادی، ساختار سیاسی و فرهنگی موجود با تحولات ناشی از جهانی شدن و توانمندسازی زنان موجب استمرار گفتمان مسلط مردسالاری و ضعف عاملیت زنان در امر سیاسی در ایران شده است. زارعی (۱۳۹۶) نیز در پایان‌نامه خود با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان (مطالعه موردی معلمان شهرستان پارسیان): این پژوهش با هدف بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان در یک مطالعه موردی با استفاده از روش توصیفی-پیمایشی انجام گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عملکرد و برنامه‌های آموزش و پرورش، باورهای مذهبی و پایبندی به آن، سطح فرهنگی خانواده‌ها و اعتماد سیاسی تأثیر معناداری بر مشارکت سیاسی زنان دارند. شنتیا (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود با عنوان بازنمایی زن در رسانه با رویکرد کیفی و تفسیرگرایی به مقوله بازنمایی زن در رسانه می‌پردازد. ایشان در این تحقیق از روش کیفی تحلیل محتوا استفاده کرده‌اند. یافته‌های به دست آمده حاصل لال و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله مشارکت سیاسی زنان در رسانه‌های اجتماعی در تانزانیا نشان می‌دهند امکانات رسانه‌های اجتماعی اکنون به طور بالقوه زنان را قادر می‌سازد تا محتوای مربوط به مسائل سیاسی را ایجاد، دسترسی و توزیع کنند و آزادانه در فضای آنلاین شرکت کنند. در این مقاله، یافته‌ها نشان می‌دهد که رسانه‌های اجتماعی و فضای سیاسی کشور نقش مهمی در مشارکت سیاسی زنان دارند و می‌توانند این مشارکت را افزایش و یا کاهش دهند.

بورانجاری و همکارانش (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان گسترش مشارکت‌های سیاسی زنان در تایلند به بررسی پیامدهای سیاسی مشارکت زنان در جنبش‌های اجتماعی در تایلند می‌پردازد. براساس مصاحبه‌ها در سایت‌های اعتراضی و بحث‌های گروهی متمرکز با شرکت‌کنندگان جنبش و همچنین مصاحبه‌ها با رهبران و مطلعان کلیدی، این مطالعه نشان می‌دهد که جامعه‌پذیری سیاسی در درون آنچه که معمولاً جنبش‌های رنگی نامیده می‌شود منجر به کسب دانش سیاسی و یادگیری در مورد مسائل سیاسی توسط زنان شده است.

## چهارچوب مفهومی

### نظریه باز نمایی

بازنمایی راه و روشی است که از آن طریق، رسانه‌ها حوادث و واقعیت‌ها را نشان می‌دهند. بازنمایی در رسانه‌ها عبارت است از: « ساختن که رسانه‌های جمعی از جنبه‌های مختلف واقعیت مثل افراد، مکان‌ها، اشیاء، اشخاص، هویت‌های فرهنگی و دیگر مفاهیم مجرد ایجاد می‌کند. تجلی بازنمایی‌ها ممکن است به صورت گفتاری، نوشتاری یا تصاویر متحرک باشد. (Dayer, 2005: 18)

بازنمایی تولید معنا از طریق چهارچوب‌های مفهومی و گفتمانی است به این معنی که معنا از طریق نشانه‌ها به ویژه زبان تولید می‌شود. زبان سازنده معنا برای اشیای مادی و رویه‌های اجتماعی است و صرفاً واسطه خنثی و بی‌طرف برای صورت بندی معانی و معرفت درباره جهان نیست. فرایند تولید معنا از طریق زبان را رویه‌های دلالت می‌نامند. لذا آنچه واقعیت نامیده می‌شود خارج از فرایند بازنمایی نیست. این بدان معنا نیست که هیچ جهان مادی واقعی وجود ندارد بلکه مهم معنایی است که به جهان مادی داده می‌شود استوارت هال می‌گوید: «هیچ چیز معناداری خارج از گفتمان وجود ندارد و مطالعات رسانه‌ای وظیفه‌اش سنجش شکاف میان واقعیت و بازنمایی نیست بلکه تلاش برای شناخت این نکته است که معانی به چه نحوی از طریق رویه‌ها و صورت‌بندی‌های گفتمانی تولید می‌شود. از دیدگاه هال، ما جهان را از طریق بازنمایی می‌سازیم و بازسازی می‌کنیم» (مهدی زاده، ۱۳۸۷: ۵۵) بازنمایی می‌تواند بر چگونگی شکل‌گیری ذهنیت مخاطبان در رابطه با یک موضوع خاص در اینجا می‌تواند به طور اعم زنان و به طور خاص کنش سیاسی زنان و چگونگی فهمیده شدن آن موضوع از جانب مخاطبان تأثیرگذار باشد. مفهوم بازنمایی به شدت تحت تأثیر آثار استوارت هال است. هال با پیگیری این مفهوم در آثار نظریه پردازانی همچون سوسور، ه بارت، دریدا و فوکو سعی می‌کند تا بازنمایی را هم به مثابه یک نظریه و هم به مثابه یک روش به همگان معرفی کند. که از آخرین کارهای نظری-تجربی او می‌توان به «بازنمایی: نظریه و عمل» او اشاره کرد (بروجردی علوی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱).

«هال» استدلال می‌کند: واقعیت به نحو معنادار وجود ندارد و بازنمایی یکی از

شیوه‌های کلیدی تولید معناست. معنا صریح یا شفاف نیست و از طریق بازنمایی در گذر زمان، یک دست باقی نمی ماند. معنا بی‌ثبات یا لغزنده است و همیشه قرار ملاقات با حقیقت مطلق را به تأخیر می‌اندازد. همیشه برای هم‌پنین شدن با موقعیت‌های جدید مورد مذاکره قرار می‌گیرد و تغییر می‌یابد. اغلب مورد مجادله بوده و هر از گاهی به شدت بر سر آن جنگ شده است. معانی به شدت در رابطه با قدرت ثبت و حک می‌شوند (سنگ برگان، ۱۳۹۸: ۲۷)

به بیان دیگر، بازنمایی از طریق فرایندهای توصیف و مفهوم‌سازی و جایگزین‌سازی معنای آنچه را بازنمایی‌شده است، برمی‌سازد. بی‌تردید جهان مستقل از بازنمایی‌هایی که از آن صورت می‌گیرد، وجود دارد. لیکن معنا دار شدن جهان در گرو بازنمایی آن است. پس می‌توان گفت بازنمایی، شیوه‌ای است که از طریق آن ما واقعیت را واجد معنا می‌سازیم، همچنین معناهایی که درباره خودمان و دیگران و جهان پیرامون‌مان ایجاد می‌کنیم. از طریق بازنمایی با یکدیگر سهیم می‌شویم یا مورد مجادله قرار می‌دهیم. اگر بپذیریم که معنی واجد ماهیتی ثابت و تضمین شده نیست، بلکه از بازنمایی‌های خاص طبیعت در فرهنگ ناشی می‌شود، آنگاه می‌توان نتیجه گرفت که معنا هیچ نمی‌تواند تغییرناپذیر، غایی یا یگانه باشد. در واقع، معنای هر چیز همواره از یک زمینه برمی‌آید و مشروط به عوامل دیگر و همچنین تابع مناسبات متحول‌شونده قدرت است. بازنمایی فرهنگی و رسانه‌ای نه امری خنثی و بی طرف که آمیخته به روابط و مناسبات قدرت برای تولید و اشاعه معانی مرجح در جامعه در راستای تداوم و تقویت نابرابری‌های اجتماعی است. بازنمایی‌ها از طریق دریافت معانی (مثل عقل سلیم) تولید و توزیع می‌شوند، اما این وضعیت تحت اداره و کنترل یک نظام قدرت است که به بعضی از معانی مشروعیت می‌بخشد و به بعضی دیگر خیر. بنابراین بعضی از ایده‌ها به معانی مسلط و بقیه کنار نهاده می‌شوند. سلطه مردان طبقه متوسط فعال در صنایع رسانه‌ای (غرب) موجب می‌شود که بعضی از ایده‌ها، ارزش‌ها و دیدگاه‌های مربوط به جهان به عنوان عقل سلیم یا طبیعی عرضه شود. به عبارت دیگر، آنچه ارائه می‌شود حقیقت نیست بلکه بازنمایی حقایق مورد نظر مردان طبقه متوسط، سفیدپوست، فعال، در صنایع رسانه‌ای است. از این لحاظ است که می‌توان بازنمایی را همراه با معانی ایدئولوژیک هم دانست. بنابراین شناخت



بازنمایی، ما را به سوی کندو کاو پیرامون قدرت و ایدئولوژی هم می‌کشاند (سنگ  
برگان: ۱۳۹۸، ۲۷)

### نظریه ساختاری-کارکردی

جامعه‌شناسان با دو موضوع ساختار و کنش، به تحلیل تصاویر ذهنی و نظری خود پرداخته‌اند، با بهره‌گیری از رویکرد ساختاری - کارکردی سعی در آشتی دو حوزه نظری و عملی داشته‌اند که اتفاقاً مؤثر هم بوده است. به اعتقاد آنان هر پدیده اجتماعی جدا از آن که در چه حوزه‌ای قرار دارد، نوعی ساختار مشخص و شکلی معین از کنش است که با عنوان ساختار و کارکرد قابل بحث است. این اندیشمندان معتقدند مشارکت سیاسی به عنوان یک پدیده اجتماعی دارای ساختار و کنش مرتبط به هم است که براساس ویژگی‌های مترتب بر این نوع تحلیل، تعبیر و تفسیر از مشارکت سیاسی ملموس‌تر است (نژادبهرام، ۱۳۹۲: ۴۶).

در این رویکرد نظری مشارکت به مثابه کنش اجتماعی در پرتو مفهوم ثبات و تعادل ساختاری تبیین می‌شود. در این الگو جامعه به عنوان نظام به هم بسته و متشکل از اجزا و عناصری هم‌رنگ و هم‌ساز در نظر گرفته شده که به طور مستمر محدوده خود را حفظ و نگهداری می‌کند و در تعادل و توازن مداوم به سر می‌برد. براساس مفهوم تعادل ساختاری، بقا و دوام جامعه به همکاری و توافق اعضای آن بر سر ارزش‌های سیاسی که در عین حال مبین وجود نوعی وفاق کلی هم هست، بستگی دارد (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۶۶)

هرگونه تمایلی برای تغییر موقعیت در جایگاه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دو جنس زن و مرد که بر تعادل ساختاری مفروض تأثیر گذاشته و منجر به تغییر بنیادی در ساختارها و ارکان نظام اجتماعی می‌گردد، پذیرفتنی نیست. با این ترتیب تغییرات ساختاری، نه هدف، بلکه وسایلی جهت بازگردان نظام اجتماعی به وضعیت تعادل و پایداری هستند، بنابراین، تفکیک جنسیتی نقش‌ها و در مجموعه نظام اجتماعی ایجاب می‌کند که در قالب حفظ وضع موجود و نظم اجتماعی تبیین گردد (اسپریگنز، ۱۳۹۹: ۶۳). در این دیدگاه مشارکت بر فرایندهای اجتماعی-اقتصادی، نهادهای خانوادگی، منزلت، نظام تعلیم و تربیت و در مجموع

بر ساختارهای جامعه در سطح کلان و میانه تأکید می‌شود. فراگردهای اجتماعی و بیرونی تعیین‌کننده میزان مشارکت افراد هستند. فرایندهای ساختاری و زمینه‌های اجتماعی نظیر: ساختار دولت، شهرنشینی، گسترش وسایل ارتباط جمعی، ساخت قدرت حاکم، پویایی گروهی، سواد، منزلت اجتماعی و بسیاری عوامل ساختاری دیگر که بر مشارکت سیاسی مؤثر هستند. (حاجی مرادی، ۱۳۹۱: ۳۸)

وسایل ارتباط جمعی (تلویزیون، رادیو و مطبوعات) یکی از مهمترین نهادهای توسعه‌ای و تسهیل‌کننده زمینه‌های مشارکت سیاسی هستند و اجتماعی کردن سیاسی شهروندان یکی از کارکردهای مهم رسانه‌های جمعی است (دای و زیگلر، ۲۰۱۰: ۷۴). در نظام‌های دموکراتیک، رسانه‌ها دارای آزادی عمل بوده و کنترل کمتری بر آنها اعمال می‌شود. البته معمولاً حتی در جوامع دموکراتیک نیز بر رادیو و تلویزیون نوعی نظارت دولتی اعمال می‌شود و تنها این مطبوعات هستند که از دخالت دولت‌ها دور هستند (دوورژه، ۱۳۹۵: ۹۷۲-۹۷۷).

### روش تحقیق

در این مقاله از روش تحقیق کیفی تحلیل روایت گریماس استفاده شده است. گریماس با قراردادن رخدادهای در عناصری کوچکتر، الگویی از روایت به نام ابر ساختار روایت ارائه کرده است. گریماس سعی کرد الگوی کنشگران شش تایی را برای بررسی نحوه روایت ارائه کند. کنشگر فرد یا چیزی است که عملی را انجام می‌دهد یا عملی بر او انجام می‌گیرد. روایت می‌تواند همه یا بخشی از کنشگران را داشته باشد این مدل قانون ثابت همه داستان‌هاست به این شکل قرائت می‌شود فرستنده فاعل کنشگر که شخصیت اصلی را به دنبال هدف خاص مثل شیء ارزشی می‌فرستد تا گیرنده از آن سود برد در انجام این ماموریت کنشگران یاری‌دهنده فاعل را برای رسیدن به شیء ارزشی یاری می‌کنند اما کنشگران بازدارنده در برابر و ایجاد مانع می‌کنند (مکاریک، ۱۳۹۰: ۱۵۲).

یک فیلم ابتدا بر حسب روایت و داستان آن درک و دریافت می‌شود و هر چیز دیگر جنبه ثانویه دارد جلوه‌های تماشایی میزانشن صحنه پردازی در ارتقای زمان و مکان هم جزئی از روایت محسوب می‌شوند از این رو در روایت چیزهای نگفته شده ارزش گفتن نداشته‌اند. روایت به طور معمول یک فعالیت فرا

رسانه‌ای است یک داستان می‌تواند نه تنها در قالب زمان بلکه در قالب رسانه‌ها و هنرهای گوناگون ارائه شود (اوحدی، ۱۳۹۱: ۲۷).

گریماس کوشیده است تا براساس الگوی کنش‌ها اساس و قاعده ظهور رخدادها و منطق جهان داستان را بیابد طرح او از ۶ واحد تشکیل می‌شود که باهم مناسبات نحوی و معنایی را تشکیل می‌دهند کنشگرها در تقابل‌های دوتایی با یکدیگر قرار دادند که عبارتند

**محور طلب یا جستجو:** فاعل + مفعول (هدف): فاعل کسی یا چیزی است است که به سمت هدفی رهنمون می‌شود رابطه میان فاعل و مفعول اتصال می‌گویند اگر فاعل با مفعول به پیوستگی برسد یا نرسد وصل یا جدایی در این محور به وجود می‌آید

**محور انتقال:** فرستنده + دریافت کننده: فرستنده عنصری است که برقراری اتصال میان فاعل و مفعول را پیشنهاد می‌کند. گیرنده عنصری است پذیرای تلاش و به زبان ساده‌تر از اتصال میان فاعل و مفعول نفع می‌برد. فرستنده و گیرنده در بسیاری از روایت‌ها مجنون است.

**محور قدرت:** یاریگر + بازدارنده (رقیب) یاریگر تلاش می‌کند تا فاعل و مفعول به پیوستگی مطلوب رساند در حالی که بازدارنده مانع این اتصال است، مشارکت‌کننده همچنین ممکن است شخصی یا جماعتی (جامعه و گروه دوستی) باشد (فراست‌خواه، ۱۳۹۵).



شکل (۱): الگوی کنشگر گریماس

گرماس با طرح دیدگاه خود الگویی کنشی را مطرح می‌کند که بسیار انتزاعی است و باید بتواند روایت به مفهوم عام را توصیف کند. تمامی عناصر احتمالی یک روایت و انواع ترکیبات این عناصر در متون ادبی و غیر ادبی را مشخص سازد تا به یاری این الگوی کنش، عناصر و اجزای روایت، شناسایی و روابط آنها با یکدیگر سنجیده شود. این امر باعث مشخص شدن هنجارها و نابهنجارهای هر روایت می‌شود و نیز هدف گرماس آن است که با بهره‌گیری از این تحلیل به دستور زبان روایت دست یابد که بر اساس آن روایت‌های مختلف بررسی و با هم مقایسه شوند تا تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها با هدف بهره‌گیری بهتر و فهم بیشتر آنها شناسایی شود. وجود گزاره‌ها (وضعیت‌ها)، زنجیره‌ها (پیروزی و شکست) و عناصر روایی، از جمله قهرمان و ضد قهرمان، یاری‌گر، مخالف و... از جمله موارد ذکر شده در نظریه گرماس است (آقاخانی، ۱۳۹۳: ۱۲۲).

**جامعه آماری:** در این پژوهش سریال‌های دهه چهارم (۱۳۹۰-۱۴۰۰) پس از انقلاب اسلامی که روایتی سیاسی داشتند و در آن زنان اعمالی را در قالب کنش سیاسی انجام می‌دادند مورد بررسی قرار گرفت. به صورت کاملاً هدفمند نمونه‌های خود را انتخاب کرده و به دلیل آن که کنشگری سیاسی زنان را مورد توجه قرار داده‌ایم. به همین جهت سریال‌های «تبریز در مه» به کارگردانی «محمد رضا ورزی» در ۲۸ قسمت ۴۵ دقیقه ای که به برهه‌ای از تاریخ ایران در زمان پادشاهی فتحعلیشاه قاجار و همینطور سلسله جنگ‌های ایران و روس و قراردادهای میان ایران، روسیه، انگلستان و فرانسه می‌پردازد و سریال «بانوی سردار» ساخته «پرویز شیخ طادی» است که این مجموعه تلویزیونی نیز از تولیدات صدا و سیمای چهار محال وبختیاری بوده است. این سریال در ۱۲ قسمت ۴۰ دقیقه‌ای تولید، و از شبکه ۳ سیما پخش شده است. این سریال‌ها را به دلیل نقش پررنگ زنان در وقایع سیاسی سریال و کنشگری نقش اول زن در آنها انتخاب کردیم.

**یافته‌ها:** هر سریال معمولاً از دو جزء داستان (فیلم‌نامه) و تکنیک‌های تلویزیونی (کارگردانی، تصویربرداری و...) تشکیل می‌شود. داستان عنصر اصلی تشکیل‌دهنده سریال محسوب می‌شود و شامل عناصر مختلفی چون شخصیت، طرزفکر، دیدگاه و طرح روایی است. از آنجایی که بن مایه اصلی هر سریال را داستان آن به وجود می‌آورد، پس این عناصر در سریال‌ها معمولاً حضوری چشمگیر

دارند در این قسمت از پژوهش سعی می‌شود تا طرح روایی داستان براساس نظریه ساختارگرای، گریماس مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

## سریال تبریز در مه

خلاصه داستان: سریال در دوران حکومت فتحعلیشاه قاجار اتفاق می‌افتد. تعدادی از ایالات ایران مورد تعرض نیروهای روسیه به رهبری فردی به نام سیسیانف قرار می‌گیرد. فتحعلیشاه، ولیعهد خود «عباس میرزا» را برای نبرد با روس‌ها به تبریز می‌فرستد. عباس میرزا به همراه مادر و خواهرش وارد تبریز می‌شوند. برای نبرد با روس‌ها از مردم تبریز و نیروهای محلی یاری می‌طلبند. همسر دوم او ریحان توسط همسر اولش مسموم و به قتل می‌رسد. فرزند عباس میرزا محمد میرزا نیز در همان روز به دنیا می‌آید. با رشادت نیروهای عباس میرزا روس‌ها شکست می‌خورند و سیسیانف کشته می‌شود. در سلسله جنگ‌های ایران و روسیه از یک طرف قراردادهای ننگین ترکمان چای، فین کنشتاین و گلستان بسته می‌شود. از طرف دیگر، اساس فرقه انگلیسی فراماسونری با عضوگیری از بزرگان حکومت ایران نیز گذاشته می‌شود. نیروهای روسیه به تبریز نزدیک می‌شوند. عباس میرزا از فتحعلیشاه می‌خواهد که برای کمک به سپاه ایران کمک مالی از خزانه برای آنها بفرستد. اما فتحعلیشاه به غیر از هزینه‌های میهمانی‌های داخل اندرونی و دعوت سفیران خارجی و هدایای همسرانش به چیزی نمی‌اندیشد. عباس میرزا به پیشنهاد دخترش گلناز تصمیم می‌گیرد تا از علمای تبریز و تجار کمک بگیرد. اما با همه سعی و تلاش او تبریز سقوط می‌کند. نیروهای روس آنجا را اشغال می‌کنند، دختر عباس میرزا در این جنگ کشته می‌شود. قرارداد صلح بسته می‌شود. بنا بر مفاد قرارداد ایران باید یک میلیون کرور غرامت به روس‌ها بپردازد، تا نیروهای‌شان را از تبریز بیرون ببرند، باز هم فتحعلیشاه از پرداخت این هزینه سر باز می‌زند و این بار این زنان غیور آذر بایجان هستند که با بخشش طلاهای خود و پرداخت غرامت آذربایجان را به خاک ایران بازگردانند و...

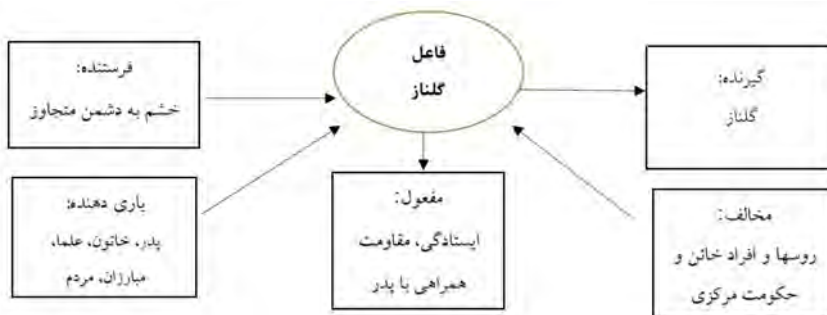
در سریال تبریز در مه، «گلناز» (شخصیت اصلی روایت)، در پی دستیابی به اهدافی خاص است، یعنی دفاع از تبریز، جلوگیری از سقوط شهر، کمک به پدر خود یعنی عباس میرزا، برای رسیدن به اهدافش همیشه در جلسات مردانه با

حضور نمایندگان فرانسه، انگلیس و روسیه شرکت دارد. هر زمان امکان دارد حقی از مردمان ایران و مخصوصاً تبریز ضایع شود او زبان گویای زنان و مردان این سرزمین می‌شود. در بازار تبریز به دفاع از زن ایرانی و پدرش می‌پردازد. در مسجد شهر در زمان تجمع مردان و سخنرانی علما شهر تنها زن حضور یافته در مسجد است در حالی که زنان دیگر به دعا کردن پناه برده‌اند، او از پشت پرده مسجد، خطابه ای آتشین ایراد می‌کند که باعث به حرکت در آوردن مردان و دادن حکم جهاد از سوی علما می‌شود.

در این راه افرادی چون پدرش عباس میرزا، مادر بزرگش خاتون، علمای تبریز، میرزا مسیح قائم مقام و میرزا ابوالقاسم فراهانی با او همراهی می‌کنند. (یاربگران)

جدول شماره (۱)

تقابل‌های دوگانه	براساس الگوی گرماس در طرح داستان سریال «تبریز در مه»
۱- شناسنده-فاعل	گلناز
۲- شی ارزشی	ماندن در کنار پدر تا آخرین لحظه زندگی به جهت دفاع از وطن.
۳- فرستنده-مفعول	احساس خشم و نفرت به متجاوزان به خاک وطن و خشم و نفرت نسبت به پدر بزرگ ناچارش که در پایتخت بی خبر از اوضاع مملکت و تبریز مشغول خوشگذرانی و بی‌خیالی است.
۴- کنشگر(گیرنده)	عباس میرزا و همه مردانی که به جهت سخنان گلناز در مسجد برای نبرد با دشمن غاصب آماده شدند.
۵- یاربگران	عباس میرزا، خاتون، علمای تبریز، میرزا مسیح قائم مقام، میرزا ابوالقاسم فراهانی و عشق وافر به وطن
۶- بازدارنده‌ها	سربازان روس، افراد طعنه‌زن و خیانتکار (میرزا فتاح)، حکومت مرکزی، شاه ایران



شکل (۲): الگوی کنشگرهای گریماس در داستان سریال تبریز در مه

### سه زنجیره روایی داستان سریال

الف) پیرنگ اجرایی (شامل زمینه‌چینی وظایف، آزمون‌ها و مبارزه‌هاست): عباس میرزا زمانی که در اسلحه‌خانه در حال گفتگو با میرزا عیسی قائم مقام است. گلناز در حالی که به گفت‌وگوی آنها گوش می‌دهد، در حال نگاه کردن و دست زدن به اسلحه‌ها است که به ناگهان تیری از اسلحه شلیک می‌شود. پدر به او می‌گوید جای دختران در خانه است و گلناز به پدر جواب می‌دهد «دفاع از وطن دختر و پسر نمی‌شناسد». و از رشادت حضرت زینب می‌گوید، در بازار تبریز از مبارزه با اجانب و دفاع از وطن می‌گوید و حتی با اسلحه ای که از زیر چادر بیرون می‌آورد، به سمت میر فتحاح که نسبت به پدر او بدگویی می‌کند، شلیک می‌کند. به پدر پیشنهاد می‌کند در نبود مهمات و نیروی دفاعی از علمای بزرگ شهر کمک بگیرند. در مسجد شهر زمانی که علما و مردم جمع شده‌اند، برای اعلام حکم جهاد بر علیه روس‌ها و زن‌ها در خانه‌ها مشغول دعا کردن هستند، با سخنانی آتشین حس غیرت و حمیت مردان را برای دفاع از وطن برمی‌انگیزد و در پایان مبارزه اش وقتی تبریز سقوط می‌کند، به همراه چند تن از سربازان توپ جنگی را به میدان شهر می‌آورد و به کمک آنها گلوله‌ای شلیک می‌کند، چند نفر از سربازان روس کشته می‌شوند و در پایان توسط تیر یکی از سربازان روس کشته می‌شود.

ب) پیرنگ میثاقی (بستن و شکستن پیمانها): به طور کلی در جریان بررسی و تحلیل تمام قسمتهای سریال به جریان بسته شدن سه معاهده فین کنشتاین،

گلستان و ترکمانچای با دولتهای خارجی انگلستان، روسیه و فرانسه در تاریخ ایران در دوران پادشاهی شاه قاجار، فتحعلیشاه پرداخته می‌شود و در مقابل به نقض پیمانهای هر کدام از این کشورها زمانی که منافع آنها به خطر می‌افتد و پس از آن نقض پیمان با ایران و بستن پیمان و عهدنامه‌ای پنهانی بر علیه ایران با کشور خارجی دیگر البته با همراهی افراد خیانتکار بسیاری که می‌توان آنها را عمال نفوذی دول غربی در دربار ایران دانست، نیز پرداخته می‌شود. و در کنار همه این بستن و شکستن پیمان‌ها به نقش پررنگ زنان خواه زنان درباری و خواه زنان معمولی جامعه هم پرداخته شده است.

ج) پیرنگ انفصالی (رفتن‌ها و بازگشتن‌ها): عباس میرزا نایب‌السلطنه به تهران فرا خوانده می‌شود، پس از اینکه روسیه به گنجه و شروان حمله می‌کنند. تا برای جنگ با روس‌ها به تبریز برگردد. در سفر بازگشت گوهر خاتون خواهر خود را که قرار است به عقد میرزا شفیع مازندرانی در بیاید و همینطور مادرش را به همراه خود به تبریز می‌برد. خاتون مادر عباس میرزا برای جمع اوری سپاه نزد پیرقلی خان رئیس ایل قاجار می‌رود و از او قول مساعد می‌گیرد. عباس میرزا عازم جنگ با سیسیانف می‌شود، پس سیسیانف شکست می‌خورد و کشته می‌شود. در جریان جنگ‌های ایران و روسیه شاه برای مدت کوتاهی عازم اردوگاه سپاه در سلطانیه می‌شود. اما بوسیله خدع‌های که در دربار شکل می‌گیرد توسط نامه طاووس سوگلی شاه به دربار باز می‌گردد. میرزا مسیح قائم مقام از دنیا می‌رود جانشین او میرزا ابوالقاسم خان فراهانی وارد تبریز می‌شود. پس اختلاف نظر میان او و عباس میرزا باعث قهر او و ترک تبریز می‌شود. پس از شکست سربازان عباس میرزا از روس‌ها او نامه‌ای به قائم مقام می‌نویسد و از او می‌خواهد که برگردد... و این رفتن و بازگشتن‌ها در کل جریان روایت ادامه می‌یابد.

### بررسی گزاره‌های روایی در سریال تبریز در مه

در این گزاره موقعیت و شخصیت زن کنشگر سریال یعنی گلناز توصیف می‌شود. او حاصل ازدواج عباس میرزا با زنی نه از ایل قاجار که دختر یکی از بازاریان معروف تبریز است. مادر او ریحان واجد همه خصوصیات خوب زن ایرانی است و بسیار مورد علاقه عباس میرزا که همین عشق زیاد باعث حسدورزی و کینه همسر اول



عباس میرزا آسیه و قتل ریحان می‌شود. گلناز تقریباً ۲۰ ساله است. تا حدودی سیاست را میدانند. بسیار جسور و بی‌باک است. در همه دیدارهای پدر با سران ممالک غربی شرکت می‌کند. در مباحثات و گفتگوهای آنها از مردم ایران و مخصوصاً زنهای ایرانی دفاع می‌کند. با اسلحه و تیراندازی آشنا است. خوب سخن می‌گوید. طرفدار این عقیده است که میان زن و مرد برای دفاع از وطن هیچ فرقی نیست، عاشق ایران است و بر سر این عشق جان خود را نیز فدا می‌کند (گزاره وصفی)

گلناز در خانه عباس میرزا در واقع ولیعهد ایران زندگی می‌کند، او نوه شاه قاجار است، می‌تواند زندگی بسیار راحت و به دور از هر گونه دغدغه‌ای داشته باشد. اما او به گونه‌ای دیگر پرورش یافته است، او انگار بی‌کفایتی شاهان قاجار را به ارث نبرده است. با وجود اینکه دختر جوانی است، ولی بسیار بیشتر از زنان زمان خود می‌داند. در حالی که آنها در مواجهه با دشمنان تنها به دعا متوسل می‌شوند، به مسجد می‌رود و از پشت پرده مسجد، سخنانی تأثیرگذار و آتشین درباره دفاع از وطن می‌گوید که همه مردان را به جوش و خروش درمی‌آورد و سپاه آماده رزم و دفاع از خاک وطن برای عباس میرزا فراهم می‌آورد که او پای در رکاب کند (گزاره وجهی).

در چند قسمت پایانی سریال وقتی تبریز در آستانه سقوط قرار می‌گیرد. صدای بر طبل کوبیدن سربازان روس به گوش میرسد. عباس میرزا به گلناز می‌گوید برو به سپاه بگو پای در رکاب کنند به طرف دروازه و بازار. گلناز با گریه به دامان خاتون پناهنده می‌شود و خیرسقوط تبریز را به او میدهد. پس از آن گلناز نامه‌ای به باباخان (فتحعلیشاه) می‌نویسد که در آن، دلیل سقوط تبریز را اهمال و سهل‌انگاری او میدانند. به میدان شهر میرود و قبل از تسلیم شهر به کمک جمعی از سربازان، ارباب توپ جنگی را به آنجا می‌آورد گلوله‌ای شلیک می‌کند. چند نفر از سربازان روس را کشته می‌شوند. سرانجام با شلیک گلوله یکی از سربازان روس در همانجا کشته می‌شود و بر زمین می‌افتد (گزاره متعدی)

### تحلیل روایت کنشگری سیاسی زنان در سریال تبریز در

در پیرنگ داستان، گلناز (گیرنده) قصد دارد، به هدف اصلی خود که همانا مبارزه با نیروهای اشغالگر و متخاصم از هر کشوری که می‌خواهد باشد فرانسه،

روسیه یا انگلستان دست پیدا کند. در کنار پدر این مبارزه را به پیروزی برساند و در راه این هدف حتی از جان خود هم در راه وطن می‌گذرد و کشته می‌شود (پی‌رفت)

گلناز(فاعل) در رسیدن به این هدف از همراهی افرادی همچون پدرش عباس میرزا، مادر بزرگش خاتون، علمای تبریز (میرزا مسیح مجتهد...) و میرزا مسیح قائم مقام و میرزا ابوالقاسم فراهانی که هدفشان یکی است بهره می‌برد. (یاربگیران). در این میان او سعی دارد، از هر موقعیتی برای رسیدن به این مهم استفاده کند. گاهی در حضور سفیر دولت فرانسه از حمیت زن ایرانی می‌گوید، گاهی در دفاع از وطن پسر و دختر را برابر می‌داند، گاهی از پشت پرده در مسجد جامع در زمان بحث در باره صدور حکم جهاد سخنانی پیرامون همراهی زنان با مردان در دفاع از وطن می‌گوید که خون مردان را به جوش می‌آورد و آنان را آماده نبرد می‌کند. (مفعول) او بیم دارد تا روس‌ها بر تبریز مسلط شوند و تبریز سقوط کند. از آزار نیروهای روس نسبت به زنان مسلمان هم بیمناک است. در بازار هم افراد طعنه زن و خیانتکاری همچون میر فتحاح او را آزار می‌دهند. از طرف دیگر نرسیدن کمک‌های مالی و سرباز و به‌طور کل بی‌خیال بودن فتحعلیشاه نسبت به آنچه در تبریز می‌گذرد هم بسیار برایش دردآور است. (بازدارنده‌ها)

جدول شماره (۲)

محورها	طلب/ جستجو	قدرت	انتقال
پی‌رفت	فاعل	بازدارنده	فرستنده
مبارزه با هر نیروی بیگانه ای که قصد تجاوز به مرزهای ایران را داشته باشد	گلناز	نیروی متخاصم روس، فرانسه و انگلیس/ بی توجهی فتحعلیشاه به تبریز/میرفتحاح	حس وطن دوستی شدید/عشق به زادگاهش تبریز
دفاع از تبریز/ کمک به عباس میرزا/دفاع از حمیت و شرف زن ایرانی		پدر /مادر بزرگ/علمای تبریز/میرزا مسیح صدر اعظم/میرزا ابوالقاسم	عباس میرزا / مردم تبریز/ مردم شهرهای متصرف شده

## تحلیل جامعه‌شناختی سریال تبریز در مه

همه وقایع سیاسی در بستر اجتماعی جامعه خود به وقوع می‌پیوندند. کنشگری نیز زمانی اتفاق می‌افتد که مسائل سیاسی و اجتماعی در یک راستا و هم جهت با هم در جامعه نمود پیدا کنند. روایت داستان فیلم در زمان پادشاهی فتحعلیشاه قاجار اتفاق افتاده است. او که برادرزاده آقامحمدخان قاجار و ملقب به باباخان است. پس از مرگ آقا محمدخان زمام امور کشور ایران را در دست می‌گیرد. عوامل مختلف سیاسی بروز کنشگری‌های ایجاد شده در جامعه آن زمان را به این ترتیب می‌توان نام برد: ۱- دارایی خزانه به حدود ۱۵ کرور تومان می‌رسید که فتحعلیشاه همچنان با وصول مالیات‌ها و عناوین مختلف دیگر همچون تقدیمی، پیشکشی، مداخل، سیورات، وعایدی همچنان روز به روز بر دامنه این عایدی‌ها اضافه می‌کرد. ۲- او نیز همچون صفویان مقام پادشاهی را مقدس و خود را ظل‌السلطان مینامید. او با داشتن فرزندان و شاهزادگان بسیار حکومت روستاها و شهرهای کوچک تر را به آنان سپرده بود. که یکی از علل شکست در جنگ با روس‌ها را شاید بتوان کارشکنی‌های این شاهزادگان در امر جنگ و نسبت به عباس میرزا دانست. ۳- در کنار حکومت، روحانیون و علمای مذهبی نیز در بین مردم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند. با فرمان جهاد میرزا مسیح مجتهد و دیگر علما جمع کثیری از مردم برای جنگ با روس‌ها عازم نبرد شدند که حتی در دوره‌ای از این جنگ‌ها به پیروزی ایران و کشته شدن سپسیانف فرمانده سپاه روس انجامید. ۴- «فتحعلیشاه» که در برابر ملت برای خود مسئولیتی نمی‌شناخت تمام درآمد ملت و دولت را صرف مخارج گزاف حرمسرا و عیاشی درباریان و شاهزادگان قاجار می‌کرد. ۵- در زمان او دو دوره جنگ‌های ایران و روس اتفاق می‌افتد. و طبیعی است شاهی که حاضر نبود ذخائر خزانه خود را حتی صرف سپاهیان کند که حراست از سلطنت او و کشورش را بر عهده دارند هرگز نمی‌توانست به فکر آسایش و فاه مردم باشد. ۶- تأسیس فرقه جدید فراماسونری و ایجاد تشکیلات آن در ایران، در حالی که اکثر دست اندر کاران سیاسی کشور وابسته سیاسی به یکی از دول انگلیس، فرانسه و روسیه بودند که دیگر جایی برای حمایت و کمک به عباس میرزا باقی نمی‌ماند (پناهی سمنانی، ۱۳۷۶: ۱۲۵) در کنار عوامل سیاسی، عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هم تأثیرگذار بر کنش‌های زنان بودند.

زنان در این دوران نقش‌های متفاوتی ایفا کرده‌اند. همانطور که در داستان سریال شاهد آن هستیم، زنان درباری (مادر شاه، دختر شاه، همسر شاه) در امور سیاسی و اجتماعی فعال بودند مادر عباس میرزا برای جمع آوری نیرو برای سپاه عباس میرزا داوطلب می‌شود تا نزد رئیس ایل رفته واز او کمک بخواهد. یا در جایی دیگر گلناز دختر شاه برای تهییج مردان برای نبرد در حضور علمای بزرگ تبریز و در حضور مردان از پشت پرده در مسجد جامع شهر سخنرانی آتشینی ایراد می‌کند. طاووس سوگلی شاه با نامه ای که برای شاه می نویسد از اردوگاه رزم فتحعلیشاه را به کاخ بازمی‌گرداند. ما شاهد موارد عدیده‌ای از این کنشگری‌های سیاسی و بازنمایی آن در این سریال هستیم.

در بررسی شرایط اجتماعی زنان می‌توان به این نکات اشاره کرد: زنان دربار و طبقات مرفه معمولاً با سوادند و با شعر و ادب و مملکت خویش آشنایی دارند. فخرالدوله دختر عباس میرزا که در این سریال از او با نام گلناز نام برده می‌شود، زنی مدیر و مدبر و در تیزهوشی ضرب‌المثل بود. در هنر، شعر، خط و نقاشی مانند نداشت. او همچنین از مستمندان دستگیری میکرد و موقوفات و خیراتی نیز داشت. (دنیاری، ۱۳۹۵: ۱۸). در این دوران علیرغم محدودیت‌های فراوانی که برای زنان وجود داشت، محدودیت‌هایی همچون حضور در محافل دربار یا حضور در میهمانی‌هایی با شرکت سفرا و میهمان‌های خارجی ولی زنان حرمسرا شدیداً در جریان‌ات سیاسی دخالت داشتند. به عنوان مثال حضور دختر عباس میرزا در اکثر ملاقات‌های پدرش با سفرا و کشورهای خارجی و شرکت در مباحثات آنها، دفاع از حقوق زنان و همینطور تیزهوشی او و درک بالای او از وقایع سیاسی و اهداف دول خارجی در ایران که بی‌مهابا از آنها سخن می‌گفت، یکی دیگر از موارد بازنمایی‌شده در این سریال است. موقعیت خاص دیگری که در سریال به خوبی به بازنمایی آن پرداخته شده است، زمانی است که براساس معاهده صلح بین ایران و روسیه دولت ایران مجبور به پرداخت پول زیادی به عنوان غرامت به دولت روسیه می‌شود، عباس میرزا از شاه می‌خواهد تا نسبت به پرداخت آن اقدام کند و زمانی که از پرداخت آن توسط شاه ناامید می‌شود از زنان بزرگان شهر کمک می‌خواهد. پس از آن مادر عباس میرزا به تکیه شهر می‌رود از تمام زنان شهر کمک می‌خواهد آنان نیز با تقدیم تمام طلاهای خویش حتی حلقه‌های ازدواج تبریز را به دامن ایران باز می‌گردانند که این واقعه نیز به خوبی در این سریال بازنمایی شده است.

در این دوران، زنان درباری شرایط متفاوتی از زنان معمولی داشتند. معمولاً زنان حرم‌سرا بیشتر اوقات خود را در حرم و تحت مراقبت نگهبانان می‌گذراندند. معمولاً حرم محل دسیسه و توطئه چینی بر علیه یکدیگر بوده است (همان، ۱۷). باز هم تأکید می‌شود زنان درباری جدا از محدودیتهایی که در حرم داشتند عده ای از آنان نیز که مورد توجه شاه بودند می‌توانستند در امور سیاسی نقش داشته باشند و با افراد خاندان خویش را به مناصب مهم کشوری بگمارند. علیرغم نفوذ بعضی از زنان حرم‌سرا و مداخله در امور سیاسی اما روزگار چندان خوشی را نمی‌گذراند زیرا نه تنها زندگی آنها در اسارت می‌گذرد، علاوه بر آن زمانی که شاه یکی از آنها را به عنوان سوگلی خود انتخاب می‌کند انگار که دیگران را به حال خود رها می‌کند. در داستان این سریال سوگلی شاه یعنی طاووس تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا مقام خود را از دست ندهد.

عالی‌ترین بُعد حضور اجتماعی زنان در این دوران شرکت در مراسم عزاداری ماه محرم، روضه‌خوانی و نمایش‌های تعزیه بود. مشاهده مراسم نمایشی تعزیه که در واقع بازسازی حوادث خونین عاشورای حسینی بود، از علایق و صف‌ناپذیر زنان بود. کسب اجر اخروی نیت برای توبه از معاصی، افزودن بر اطلاعات دینی، دیدن رجال سیاسی، روحانیون و مراجع بزرگ و شنیدن مواعظ آنها در کنار بازیگری حزن‌انگیز و دلنشین «تعزیه‌گران»، لذت در جمع، واقع شدن و مشارکت در طبخ غذا و تناول آن به خصوص برای زنان طبقات محروم از انگیزه‌هایی بودند، که به حضور زنان در این مراسم قوت میبخشید. مشارکت اجتماعی زنان در صحنه‌های اجتماعی همواره با پوشش سخت سنتی و ملاحظات اخلاقی مبنی بر تفکیک زنان از مردان همراه بوده است.

### سریال بانوی سردار

خلاصه داستان: بانوی سرداربخشی از زندگی بی‌بی مریم ملقب به سردار مریم را روایت می‌کند. بی‌بی مریم بختیاری خواهر علیقلی خان سردار اسعد و فرزند حسینقلی خان. فرزند او علیمردان خان هم از مبارزان این دوره تاریخی بوده است بی‌بی مریم با ایستادگی مقابل ظلم خوانین این منطقه بین مردم محبوبیت زیادی پیدا کرد و باعث وحدت بخشیدن بین اقوام مختلف لر و ایستادگی مقابل نیروهای انگلیسی که از حمایت حکومت مرکزی برخوردار بودند شد. داستان سریال در واقع

از زبان روایت‌کننده‌ای است به نام بی‌بی مریم، یکی از بزرگترین زنان ایل بختیاری که مقاومت‌ها و کنشگری‌های سیاسی بسیاری در مقابل انگلیسی‌ها و عوامل حکومتی قاجار داشته و تبدیل به یکی از نمادهای مقاومت و ایستادگی در مقابل ظلم و ستم در میان بختیاریها شده است.

او در مجموعه کنش‌های سیاسی و فعالیت‌های مبارزاتی خود قصد دستیابی به اهداف زیر را دارد:

۱- غلبه بر افراد سرکش داخل قلعه که اغلب مردانی هستند که تحمل فرمانبرداری از زنی که در نبود شوهر قصد حاکمیت بر آنها را دارد ندارند. ۲- مبارزه با ظلم و ستم بی‌حد و اندازه خوانین محلی بر مردم ستم‌دیده روستاهای اطراف که حتی بعضی از این‌ها توسط خود او به کار گماشته شده‌اند. ۳- مبارزه به نیروهای انگلیسی، حاکم دست‌نشانده حکومت مرکزی (ظل السلطان) و سربازان حکومت مرکزی که هرچند یکبار برای گرفتن آذوقه و باج و خراج روستاییان را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند. او در راه رسیدن به هدف مجبور است با مقاومت همه موارد گفته شده مواجه شود و از نیروهای یاریگر (اسفندیار خان، مردان داخل قلعه و مردم محلی، فرزندش) کمک می‌گیرد.

جدول شماره (۳)

تقابل‌های دوگانه	براساس الگوی گریماس در طرح داستان سریال «بانوی سردار»
۱- شناسنده-فاعل	بی‌بی مریم
۲- شیء ارزشی	ایستادگی و مقاومت در مقابل مردم داخل قلعه، حاکم محلی دست‌نشانده، سربازان حکومت مرکزی، فرمانده و سربازان انگلیسی که به آزار و اذیت روستاییان و غارت آنها می‌پرداختند.
۳- فرستنده-مفعول	احساس عشق به وطن و مردم که از کودکی توسط پدر که او نیز از سرداران بزرگ بختیاری بوده در او ایجاد شده است.
۴- کنشگر (گیرنده)	مردم درون قلعه و روستاییان ستم‌دیده بیرون قلعه
۵- یاریگران	احساس عشق به مردم و سرزمین، اسفندیارخان و همسرش آسیه، مردان درون قلعه که اکنون با او همراه شده‌اند، فرزندش علیمردان‌خان
۶- بازدارنده‌ها	خان‌های محلی که توسط خود بی‌بی مریم منصوب شده بودند. سربازان و نظامیان حکومت مرکزی، نظامیان و سربازان انگلیسی، سربازان ظل‌السلطان حاکم اصفهان.



شکل شماره (۳): الگوی کنشگرهای گریماس در داستان سریال بانوی سردار

### سه زنجیره روایی داستان سریال

الف) پیرفت اجرایی (شامل زمینه چینی وظایف، آزمون‌ها و مبارزه‌ها است):  
 خاطراتی که او از پدرش (علیقلی خان سردار اسعد بختیاری) در ذهن دارد. همسری که خان قلعه بوده و حالا او را با فرزندش علیمردان خان تنها گذاشته و به دربار رفته است. فکر سرو سامان دادن به اوضاع داخل قلعه، مردان و زنانی که بدلیل زن بودن او قصد نافرمانی دارند. بایار جوانی که او را مثل فرزند خود می‌داند، اما در اثر قولی که سالها پیش به مادر بایار داده است باعث می‌شود که او حقیقت را از بایار مخفی کند و حالا در اثر اطلاعات غیر واقعی بایار سخت با او دشمنی می‌ورزد. در نهایت او مردان داخل قلعه را به اطاعت و امانت وا می‌دارد. پس از آن خانهای روستاهای اطراف را برکنار و خان‌های جدید را بر مسند کار می‌گذارد. به مبارزه با دست‌نشانده حکومت مرکزی ظل‌السلطان که بر مردم روستاها ظلم و ستم می‌کند، می‌پردازد، مبارزاتی با سربازان و امرای ارتش انگلیس که در پی یافتن نفت به روستاها آمده‌اند، و پیوسته مردمان را یا می‌کشند و یا غارت می‌کنند، نیز دارد.

ب) پیرفت میثاقی (بستن و شکستن پیمان):  
 عهدی که سال‌ها پیش بی‌بی مریم با مادر بایار بسته است که هیچگاه به او نگوید که چطور فرزند شیرخوارش را در زمستان سخت با خود به بیرون قلعه برده است که خو می‌میرد بایار توسط بی‌بی مریم نجات پیدا می‌کند، اما به مادر بایار قول می‌دهد هیچگاه حقیقت را به بایار نگوید.

خانهای که به مردم روستاها بسیار ظلم و ستم کرده بودند بی‌بی مریم آنها را برکنار می‌کند و به مجازات می‌رساند. کسانی را به انتخاب خود مردم جانشین آنها می‌کند اما از آنها می‌خواهد که به قران قسم بخورند و تعهد دهند که نسبت به مردم امین جان و مال و ناموس آنها باشند. اما آنها نیز دوباره پیمان می‌شکنند خبر به بی‌بی می‌رسد، او خود برای تحقیق می‌رود و پس از ثابت شدن موضوع خانها را دستگیر و به جهت نقض پیمان همه آنها را مجازات می‌کند. نمایندهٔ ظل‌السلطان و حکومت مرکزی با هدایایی به همراه کتابهای نفیس تاریخی و یک شیخ درباری برای فریفتن بی‌بی مریم و تقاضای همراهی با حکومت به قلعه می‌آیند حتی شیخ تقاضای ازدواج به او می‌دهد و خواهان بستن معاهده‌ای می‌شوند که بی‌بی مریم تنها به امورات داخل قلعه بپردازد و بیرون قلعه را به آنها بسپارد که بی‌بی مریم از بستن این معاهده سر باز می‌زند.

ج) پیرفت انفصالی (رفتن‌ها و باز گشتن‌ها): در ابتدای داستان، بی‌بی مریم برای صحبت و گرفتن قوت قلب بعد از اینکه همسرش قلعه را ترک کرده است به سوی قلعه مادر جهت مشورت می‌رود که در راه برگشت توسط راهزنان طی نقشه ای مزورانه غارت می‌شود و همه مال و اموالی که توسط مادر به او داده شده هم غارت می‌شود. در دشت به همراه دو فرزندش رها می‌شود. توسط برادر پیدا شده دوباره به قلعه مادر باز گردانده می‌شود. سپس راهی قلعه خود می‌شود.

خبر می‌رسد روستاهای اطراف مورد حمله واقع شده اند و آذوقه زمستانی آنها به آتش کشیده شده است. بی‌بی مریم برای سرکشی به رعایا عازم روستاهای اطراف می‌شود. پس از آن که از خیانت والیان و کدخدایان روستاهای اطراف اطلاع پیدا می‌کند همه را به قلعه آورده و مجازات می‌کند. به همراه تفنگدارانش دوباره عازم روستاها می‌شود و به نبرد با نیروهای دولتی و افراد ظل‌السلطان می‌پردازد، مجدداً به قلعه بازمی‌گردد. خبر می‌رسد که سربازان انگلیسی در روستاهای اطراف به شدت روستاییان را مورد ظلم و ستم قرار می‌دهند، طی نقشه‌ای او مجدداً عازم نبرد با آنها می‌شود با کمک روستاییان و تفنگدارانش به نبرد سختی با انگلیسی‌ها می‌پردازد. آنها شکست سختی می‌خورند و دوباره به قلعه برمی‌گردد. مجدداً خبر می‌رسد والیانی که مردم انتخاب کرده اند و او حکم به آنها داده



است قسم قره‌ن خود را زیر پا گذاشته و همه تعهدات خود را نادیده گرفته و شدیداً مردم ظلم و ستم روا می‌دارند. برای پی بردن به واقعیت امر با لباس میدل به همراه چند تن از افرادش برای سرکشی به آنجا می‌رود زمانی که صحت همه گفته‌ها برایش آشکار می‌شود والیان را دستگیر کرده با خود به قلعه می‌آورد. دستور مجازات همه آنها را می‌دهد.

دوباره عازم جنگ با نیروهای انگلیسی در بیرون قلعه به همراه تفنگدارانش است که توسط بایار با تیری که از اسلحه‌اش شلیک می‌کند، زخمی می‌شود و در بستر بیماری می‌افتد، اما نیروهایش به نبرد می‌روند.

### بررسی گزاره‌های روایی در سریال بانوی سردار :

گزاره‌های روایی در سریال بانوی سردار عبارت هستند از:

۱. در این گزاره، موقعیت و شخصیت زن کنشگر اصلی سریال یعنی بی‌بی مریم بختیاری توصیف می‌شود. او زنی از اقوام لر و از ایل بختیاری است. چهره‌ای راسخ، مصمم در عین حال مهربان دارد می‌توان گفت شخصیت او جمع اضعاد است از یکطرف با کودکان مهربان است با آنها همبازی می‌شود. در عین حال که معلمی دلسوز هم برای آنها می‌باشد که اخلاق و تاریخ و جغرافیای این مرز و بوم را به آنها می‌آموزد. تحصیلکرده و بسیار با هوش است. فنون رزم را میداند تیراندازی را از پدرش که از بزرگان قوم بختیاری بوده اما توسط حکومت کشته شده است یاد گرفته است. مادری بسیار مهربان و در عین حال سختگیر و با جذبه برای فرزندان و فرزند خوانده اش می‌باشد. در مقابل ظلم و ستم از طرف هرکس که می‌خواهد باشد بر مردمان این سرزمین کوتاه نمی‌آید. عشق بسیار زیاد و عمیقی نسبت به سرزمینش دارد خواهان اسایش و آرامش مردم سرزمینش است. تقریباً می‌شود گفت تمامی عمرش را به مبارزه گذراند است یا با نیروهای حکومت مرکزی و یا با نیروهای انگلیسی که پس از کشف نفت به آنجا لشکرکشی کرده بودند. و یا با والیان خیانتکاری که مردم روستاها را مورد ظلم و ستم قرار می‌دادند. در عین حال، خواهان پیشرفت مملکتش هم هست. زنی مستقل با اراده‌ای آهنین است (گزاره وصفی).

۲. بی‌بی مریم زنی از خانواده خان‌های ایل بختیاری است که می‌تواند زندگی بسیار راحت و به دور از دغدغه‌های داشته باشد که در صحنه‌های مختلف داستان شاهد آن هستیم که مادرش به او پیشنهاد می‌کند در قلعه او بماند و به قلعه‌اش بازنگردد. پس از حمله راهزنان و غارت اموالش توسط آنها که حتی با خطر مرگ برای او و فرزندانش همراه بود که در معرض حمله گرگها قرار گرفتند برادرش نیز به او پیشنهاد می‌کند که در قلعه او بماند اما او باز هم پیشنهاد را رد می‌کند و به قلعه اش برمی‌گردد. با وجود همه نامهربانی‌های مردان درون قلعه در ابتدای کار با وجود بی‌مهری‌های آنها و از جمله بایار فرزند خوانده اش باز هم مقاومت و ایستادگی می‌کند و با همراه کردن مردمان درون قلعه به مبارزه‌ای سخت با همه دشمنان این آب و خاک می‌پردازد (گزاره و جهی).

۳. از آنجا که داستان زندگی بی‌بی مریم و مبارزات او همچنان تا زمان مرگ او ادامه دارد، این سریال تنها به بخشی از مبارزات و گوشه‌ای از زندگی او پرداخته است. وقتی برای مبارزه و جنگ با نیروهای حکومتی با نیروهایش عازم رفتن می‌شود، توسط بایار به او تیراندازی می‌شود، از اسب بر زمین می‌افتد، افراد قلعه به جان بایار می‌افتند و او را به شدت با مشت و لگد می‌زنند. بی‌بی مریم با وجودی که در حال بیهوش شدن است از پسرش می‌خواهد که به آنها بگوید او را نزنند. البته بعد از اینکه تیر از سینه اش بیرون آورده می‌شود بستری می‌شود و بهبود می‌یابد باز هم سفارش می‌کند کاری به بایار نداشته باشند. همزمان با این واقعه خاله و شوهر خاله بایار توسط اسفندیار خان به قلعه آورده می‌شوند تا اصل ماجرا و واقعیت برای بایار گفته شوید. و در آخر زمانی که بی‌بی مریم به زندان بایار می‌آید و وضعیت او را می‌بیند بر زمین می‌افتد و بسیار ناراحت از وضع اسفبار بایار می‌شود اما بایار خجلت زده و پشیمان خود را به بی‌بی مریم رسانده در حالی که اشک می‌ریزد سر بر دامن بی‌بی می‌گذارد (گزاره متعدی).

جدول شماره (۴):

محورها	طلب/ جستجو	قدرت	انتقال	پی رفت	
درون قلعه: سربراه کردن بایار/ وادار کردن مردان وزنان درون قلعه به اطاعت از خود	بی بی مریم	دور نگهداشتن بایار از خطرو آسیب/در امان بودن مردم درو ن قلعه از خطرات بیرون/ ایجاد وحدت بین افراد قلعه/	بایار/ سهراب خان/ راهزنان(پلنگ خان و...)/ نیروهای ظل السلطان/نیروها ی حکومتی/ انگلیسی‌ها	فرستنده عهد با مادر بایار/ مسئولیت پذیری ونگرانی نسبت به امورات مردم	گیرنده/ ذینفع بی بی مریم بایار مردم درون قلعه

### تحلیل جامعه‌شناختی سریال بانوی سردار

داستان این سریال در زمان ناصرالدین شاه و فرزند او ظل‌السلطان که حاکم اصفهان بوده است اتفاق افتاده است. از آنجایی که وقایع روایت این سریال در جایی دور از پایتخت یعنی در قلعه ای نزدیک اصفهان روی می‌دهد و قلعه در محیط بسته با چندین روستا در اطراف که آن را احاطه کرده اند، است. پس چندان نمی‌تواند تحت تأثیر وقایع عهد ناصری قرار بگیرد. اما با این وجود وقایعی مثل قحطی نان و ورود تجددگرایی، تغییر پوشش زنان و مردان، اکتشاف ماده جدید و گرانبهایی همچون نفت، چاپ مجله که در آن وقایع به اطلاع همگان می‌رسید به محیط بسته قلعه و روستاهای اطراف هم راه پیدا کرده است.

ناصرالدین شاه که چهارمین شاه قاجار بود، حدود پنجاه سال بر ایران حکومت کرد. دوران حکومت وی از چندین جهت قابل اهمیت است. اولین سفرهای سیاحتی پادشاه ایرانی به اروپا، آشنایی با تمدن غرب، شروع عصر امتیازات، اعزام دانشجویان بیشتی به غرب و ایجاد دارالفنون و رفت و آمدهای سفرا و سیاحان خارجی به ایران و برخورد آنان با نوع زندگی و معیشت مردم و از سوی دیگر، آشنایی هر چه بیشتر مردم با افکار و اندیشه‌ها و حتی ظواهر زندگی غربیان، این دوره را نسبت به دوران قبل از خود برجسته‌تر و متمایز می‌کند. در این بین بررسی وضعیت جامعه زنان عهد ناصری و حضور آنان در حرکت‌های دسته

جمعی له یا علیه وقایع جاری مملکتی و حکومتی، خبر از نوعی دگرگونی وضعیت زنان می‌دهد. حضور بعضی از زنان اقشار بالای جامعه در مناصب و حتی اداره امور سیاسی و نیز دخل و تصرف زنان سلطنتی و درباری و تقرب به شاه و در نهایت تأثیرگذاری بر جریان امور سیاسی و حتی فرهنگی و اجتماعی جامعه، می‌تواند نوعی تغییر در میان زنان این دوره باشد. حتی تحول در پوشش زنان حداقل اندرونی شاه و اعیان نیز می‌تواند جنبه دیگری از تغییر تدریجی در دیدگاه زنان آن دوره باشد که به مرور زمان در دیگر اقشار نیز رخنه کرد. هر چند طی ادوار قبل زانی را در راس امور سیاسی کشور شاهدیم، ولی نوع نگرش زنان مورد بحث نسبت به دوران ماقبل خود قابل تأمل است (دهقان، ۱۳۹۳: ۱).

در روایت سریال در جایی اسفندیار خان در گفتگویی با بی‌بی مریم از اینکه زنان در شهر لباسهایی جدید می‌پوشند، او می‌گوید نوعی موی جدید از فرنگ آمده است که رنگش طلایی است و زنان برای شوهرانشان در خانه می‌پوشند. در شهر مجله چاپ می‌شود. واز تغییرات بسیار در شهر می‌گوید.

بحران‌های اجتماعی - اقتصادی در دوره ناصری برای مردم مشکلات نگران‌کننده‌ای پدید آورد، از جمله قحطی سال ۱۳۷۷ هجری که مرکز حکومت را سخت تهدید کرد. در این میان زنان، در هر کوی و برزن برای رهایی از کمبود غلات و گرانی نان یاری می‌طلبیدند. شماری از آنان بر فراز بام‌ها رفته و فریاد می‌زدند: ما را از این وضع ناگوار برهانید. بانوان اغلب در اعتراض به وضع بحرانی نان (که در پشت پرده، منفعت‌طلبی سیاسی، اختلاف رجال درباری و احتکار آذوقه توسط وابستگان قاجار وجود داشت) پیشقدم گردیدند. در قسمتی از داستان سریال که قحطی روستاها را فرا گرفته است و محصول زمین‌های قلعه خوب بوده است. کارگزار قلعه محصول را دو برابر به روستاییان می‌فروشد. بی‌بی مریم از کار او عصبانی می‌شود و می‌گوید همه را به قیمت معمول به روستاییان بفروشد. اگرچه غالب این فریادها علیه قحطی و کاهش آذوقه توسط زنان به صورت خودجوش و با انگیزه‌های درونی آنان صورت می‌گرفت و رنگ واقعی داشت. ولی در مواقعی رقیب‌های سیاسی و افرادی که با حکمرانان درگیری داشتند، از این موقعیت سوء استفاده کرده و زنان را برای اهداف شخصی و بی اعتبار کردن والیان و حاکمان تحریک می‌کردند. و زنان ناخواسته آلت دست شیفتگان قدرت و سیاست قرار می‌گرفتند. در جایی دیگر

از داستان سریال، زنی که مورد سوء استفاده فکری والیان فرستاده شده از سوی بی‌بی مریم قرار گرفته بود در میان بازاری که بی‌بی مریم برای بازدید از آنجا رفته بود به بی‌بی مریم حمله می‌کند و قصد کشتن او را دارد. زمانی که او و جمعی دیگر از شورشیان دستگیر می‌شوند. به قلعه برده می‌شوند. پس از آن، پرده از خیانت بزرگ والیان و همدستی آنها با انگلیسی‌ها و به خدمت گرفتن دختران جوان روستاییان برداشته می‌شود که بی‌بی مریم با لباس مبدل با افرادش برای راستی‌آزمایی وصحت و سقم سخنان روستاییان خود به آنجا می‌رود. وقتی پی به حقیقت می‌برد والیان را دستگیر و برای مجازات با خود به قلعه می‌آورد. پس از بررسی‌های انجام شده در بخش یافته و همچنین امر واقعیت تاریخی با آنچه که بازنمایی شده در سریال‌ها، مقوله‌های به دست آمده از کنشگری زنان در وقایع تاریخی پرداخته شده در دو سریال به شرح جدول زیر است:

جدول شماره (۵): مقوله‌های بازنمایی شده از کنشگری سیاسی زنان در سریال‌ها

مقوله (تم) اصلی	مقوله (تم) های فرعی
کنشگری سیاسی زنان	ایجاد همبستگی اجتماعی در میان افراد جامعه
	تلاش در جهت برقراری عدالت اجتماعی
	مجازات افراد خیانتکار و گماشتن افرادی که طرفدار حق مردم باشند
	استفاده از اسلحه و اسب برای نبرد با دشمن
	استفاده از شعائر مذهبی برای وادار کردن مردم به دفاع از خود و خانواده
	تقسیم اموال در میان مستمندان برای ایجاد حس برابری و عدالت اجتماعی
	شور و مشورت مؤثر با افرادی که هر کدام در زمینه‌ای تبحر دارند، برای رویارویی با دشمن
	تقسیم گندم و مواد غذایی در فحطی بین مردم و فروش آنها به قیمت قبل از فحطی
	پرداخت غرامت جنگ با تمام زیورآلات و طلاهای خود برای بازگشت تبریز به دامن ایران
	حمایت و سازماندهی سالخوردگان و کودکان در هنگام جنگ برای در امان ماندن آنها

## بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله، به دنبال این هدف بودیم که شیوه‌ی بازنمایی کنش سیاسی زنان در سیمای جمهوری اسلامی ایران در سریال‌های تاریخی پخش شده در دهه ۹۰ را بررسی کنیم. جریان داستان هر دو سریال در واقع در یکی از مهمترین برهه‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی این کشور در حال وقوع است، زمانی که جریان تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تمام کشورهای قاره اروپا را فرا گرفته است. سه قدرت بزرگ در حال تقسیم جهان بین خود هستند که کشور ایران نیز از این قاعده بازی مستثنی نیست. اما در همین احوال، دو سیستم سیاسی حاکم بر ایران که در این سریال‌ها به آنها پرداخته شده است (فتحعلیشاه و ناصرالدین شاه قاجار) جدای از همه این دگرگونی‌ها و تحولات، یکی (فتحعلیشاه) در اندیشه انباشتن خزانه سلطنتی از جواهر و سکه و همین‌طور رتق و فتق امور حرمسرای با چندصد زن و شاهزادگان این زنان است و دیگری (ناصرالدین شاه) نیز که غیر از شکار و عکاسی و سفر به کشورهای اروپایی که به ازای این سفرها و خوشگذرانی‌ها هزارچندگاهی قسمتی از منابع این مملکت را بذل و بخشش می‌کرد، کار دیگری نمی‌دانستند، اما در فرایند این تحلیل، آنچه مهم است بررسی کنشگری سیاسی اجتماعی زنان در سریال‌های تلویزیونی و نقش آنان در سیاستگذاری این برهه از تاریخ این کشور می‌باشد، است. باور عمومی بر این اساس است که در این دوران زنان محصور در پشت دیوارهای خانه‌ها در اندرونی‌ها و یا در اتاق‌ها و دالان‌های هزار توی حرمسراها همراه با خواجه‌گان و نگهبانانی هستند که وظیفه مراقبت از آنها را بر عهده دارند. اما به روایت تاریخ و اسناد مکتوب باقیمانده از آن زمان واقعیت امر دیگری است.

بی‌گمان سریال‌های تلویزیونی در بسیاری از موارد می‌توانند به ارائه تفکرات و الگوهای عمل و نشان دادن امور واقعی به افشار مختلف جامعه مؤثر باشند. بنابراین نمایش ساختار نقش و مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، از اهمیت زیادی برخوردار است چون می‌تواند زنان جامعه را به افرادی منفعَل و بی‌تفاوت و بی‌فعال و کنشگر مبدل سازد، چرا که تأثیر رسانه از دیرباز مورد تأیید همگان قرار گرفته است. به طور کلی، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در تلویزیون ایران زن کنشگر الزاماً باید در محیطی خاص رشد یافته باشد. او از بسیاری جهات با زنان هم دوره خود و حتی مردانی که با او تعامل دارند، متفاوت و منحصر به فرد است. او می‌تواند در نقش‌های متفاوتی حضور داشته باشد. نقش دختر، همسر، مادر و حتی جنگاور میدان رزم باشد.

در روایت داستان تبریز در مه، «گلناز» کنشگر اصلی است او تابعی از قضایای پیش آمده در جریان داستان نیست، بلکه برعکس به آنچه که زنان دیگرانجام نمی‌دهند، عمل می‌کند و موتور اصلی کنش را او به وجود می‌آورد. او با کمک یاریگرانش تمام توان خود را به کار می‌گیرد تا بر نیروهای مخالف پیروز شود. یک به یک مراحل آماده شدن برای دفاع از کشور و تبریز در مقابل اجانب را پشت سر می‌گذارد گر چه در این راه به پیروزی نمی‌رسد و جان خود را از دست می‌دهد. اما به آزمون سرفرازی دست پیدا می‌کند و دستخطی برای آیندگان باقی می‌گذارد. بی‌خردی و بی‌کفایتی و نالایقی شاه مملکت را دلیل اصلی این شکست می‌داند. او در این مرحله به پایان فرایند روایت می‌رسد. با احساس رضایت از عملکرد خود مردمان آینده را به قضاوت فرا می‌خواند. او به شی‌ارزشی فکری و عقیدتی که همانا دفاع از وطن است دست یافته است.

در روایت دوم بانوی سردار، «بی‌بی مریم» کنشگر، تابع برنامه است او که کنشگر اصلی است همانند گلناز تابعی از قضایای پیش آمده نیست بلکه خود تأثیرگذارترین عامل بر جریان روایی داستان است. او نیز نیروی محرکه همه جریانات داستان است او زنی محکم با اراده‌ای خستگی‌ناپذیر و مستحکم در برابر همه ناملاایمات است در ضمن از نوعی زیرکی و هوش هم برخوردار است. کنشگر با کمک کنش یارها بر نیروهای مخالف پیروز می‌شود و کنش را انجام می‌دهد. او به ترتیب مراحل آماده‌سازی، مبارزه با والیان، نیروهای دولتی، ظل‌السلطان و انگلیسی‌ها را پشت سر می‌گذارد. احساس رضایت او از عملکرد خود، باز گشتن بایار به دامن او در پایان داستان، دستگیری و مجازات والیان خیانتکار نشان می‌دهد که کنشگر پیروز شده است و به شی‌ارزشی دست یافته است. هر دو داستان روایی با تقابل‌های دوگانه گریماس کاملاً همخوانی دارند. در هر دو سریال آنچه بیشتر بازنمایی می‌شود، تجلی حضور زن از طبقه مرفه و باسواد جامعه است. آنها آشنا با اسلحه و اسب‌سواری و شعر و ادبیات و تاریخ و سیاست و تا حدودی علوم زمان خود هستند، اما در بازنمایی‌های نمایش داده شده در هر دو سریال، به زنان عادی و معمولی- که سطح وسیعی از مردم جامعه را تشکیل می‌داده‌اند و در عرصه‌های مختلف سیاست همچون شورش نان، نهضت مشروطه یا تحریم تنباکو، نقش اساسی داشته‌اند- اشاره‌ای نشده است.

## فهرست منابع

- ابراکرمبی، نیکلاس (۱۳۹۴). درآمدی بر جامعه‌شناسی، (مترجم: هادی جلیلی)، نشر نی.
- اسپریگنز، تامس (۱۳۹۹). فهم نظریه‌های سیاسی، (مترجم: فرهنگ رجایی)، انتشارات آگه، تهران.
- اوحدی، مسعود (۱۳۹۱). روایت‌شناسی سینما و تلویزیون، تهران: انتشارات دانشکده صدا و سیما.
- آقاخانی بیژنی، محمود؛ صادقی، اسماعیل؛ و صفری، جهانگیر (۱۳۹۳)، «تحلیل چند مؤلفه پایداری در آثار شاعران پایداری (دعوت به جهاد، ستایش آزادی، مهدویت و پیروزی و...)»، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال پنجم، شماره دهم، بهار و تابستان.
- بروجردی علوی، مهدخت؛ مهدی‌زاده، سید محمد؛ و شاکری نژاد، محسن (۱۳۹۸). بازنمایی زنان چادری در سریال‌های تلویزیونی ایران، فصلنامه رسانه‌های دیداری و شنیداری، دوره ۱۳، شماره ۲۹، تهران، ایران.
- پناهی سمنانی، محمد؛ و پناهی سمنانی، احمد (۱۳۷۶). فتحعلیشاه قاجار، سقوط در کام استعمار، تهران، انتشارات نمونه.
- جنیدی، مریم؛ و سنگی، لیلیا (۱۳۹۷). موانع و چشم‌اندازهای مشارکت سوژه زنان در امر سیاسی ایران (نمونه مطالعاتی: دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی)، فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، ۳۵(۹)، ۵۹-۸۴.
- حاجی مرادی، مریم (۱۳۹۱). بررسی نقش تحصیلات در مشارکت سیاسی زنان، پایان‌نامه دانشگاه علامه طباطبایی، بهمن ۱۳۹۱.
- خضری، زهرا؛ شاوردی، ته‌مینه؛ و قاسمی، عاصمه (۱۴۰۰). تأثیر تماشای تلویزیون بر ارزش‌های فرهنگی- اجتماعی زنان ساکن مهاباد، فصلنامه علمی رسانه‌های دیداری و شنیداری، دوره پانزدهم، شماره ۳، پاییز، ۳۳-۶۷.
- دنیاری، سکینه؛ و علم، محمدرضا (۱۳۹۵). «بررسی وضعیت زنان در دوره قاجار



بازنمایی کنشگری سیاسی زنان در سریال‌های تاریخی دهه ۹۰ تولید سیمای ج.ا.ا

با تکیه بر دیدگاه سفرنامه‌نویسان، فصلنامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز، سال دوم، شماره ۶.

دوورژه، موریس (۱۳۹۵). اصول علم سیاست، (مترجم: ابوالفضل قاضی)، ناشر: امیرکبیر.

دهقان، حسین (۱۳۹۲). «بررسی وضعیت زنان در عهد ناصرالدین شاه قاجار»، مجله تاریخ‌پژوهی، شماره ۵۷، صص ۷۹-۵۷.

راش، مایکل (۱۳۹۱). جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، (مترجم: منوچهر صبوری)، چاپ ۱۱، ناشر: سمت.

زارعی، مجتبی (۱۳۹۶). «بررسی انتقادی فمینیسم لیبرال-رادیکال و مارکسیستی-سوسیالیستی با الگوی فطرت‌گرایانه در مطالعات زنان، فصلنامه علمی پژوهشی الگوی پیشرفت اسلامی، ایرانی.

سنگ برکان، حسین (۱۳۹۸). چگونگی بازنمایی نمادهای عاشورایی در فیلم و سریال‌های تلویزیونی، پایان‌نامه دانشگاه صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

عزیزی کاوه، علی؛ و کاویانی راد، مراد (۱۳۹۰). «نقش هویت مکانی در بروز کنش سیاسی»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد ۱۷، شماره ۲۰.

فراست خواه، مقصود (۱۳۹۵). روش تحقیق در علوم اجتماعی با تأکید برگراند تئوری GT (نظریه بر پایه)، انتشارات آگاه.

قهرمانی، محمدباقر؛ بختیاری، محمدجواد (۱۳۹۸). «بازنمایی زنان در فیلم‌های آپارتاید (مطالعه موردی: دو فیلم وینی ماندلا و سارافین، نشریه زن و فرهنگ، شماره ۴۱.

گلابی، فاطمه؛ و حاجی‌پور، فتانه (۱۳۹۱).، تأثیر خانواده بر مشارکت سیاسی زنان، فصلنامه زن و جامعه، پاییز ۱۳۹۱، شماره سوم، سال سوم، صص ۳۱-۵۶.

بازنمایی کنشگری سیاسی زنان در سریال‌های تاریخی دهه ۹۰ تولید سیمای ج.ا.ا.

-گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰). سیاست، جامعه‌شناسی و نظریات اجتماعی، (مترجم: منوچهر صبوری)، نشر نی، تهران.

-مک‌کاریک، ابرناریما (۱۳۹۰). دانشنامه نظریه‌های ادبی، (مترجم: مهران مهاجر و محمد نبوی)، ج چهارم، تهران: آگه.

-مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۸۷). رسانه‌ها و بازنمایی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

-مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۹۲). نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و انتقادی، ج سوم، تهران، همشهری.

-نژادبهرام، زهرا (۱۳۹۲). موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران، ناشر: رسانش.

- Lal, B., Kwayu, S., & Ahmed, S. (2020, December). Women's Political Participation on Social Media: The Case of Tanzania. In *International Working Conference on Transfer and Diffusion of IT* (pp. 384-390). Springer, Cham.

-Buranajaroenkij, D., Doneys, P., Kusakabe, K., & Doane, D. L. (2018). Expansion of women's political participation through social movements: The case of the red and yellow shirts in Thailand. *Journal of Asian and African Studies*, ۵۳(1), 34-48.

-Lv, Z, & Deng, C. (2019). "Dose Women's Political empowerment matter for improving the environment? A heterogeneous dynamic panel analysis", *Sustainable Development*, 27(4), pp 603-612.

-Dyer, Richard (2005). *White in Film Theory: Concept in Media and Cultural studies*, Volum 3 Routledge.